

کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

شماره ۱۰

آذرماه ۱۳۶۹

قیمت ۲ مارك

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

گزارش مجمع عمومی

سومین مجمع عمومی انجمن کارگران تبعیدی در اواخر اوت ۱۹۹۰ با حضور اکثریت اعضای انجمن و همچنین با شرکت نمایندگان انجمن کارگران پناهنده مقیم انگلستان بمدت دو روز در یکی از شهرهای آلمان برگزار گردید. ابتدا به حاضرین در مجمع خیر مقدم گفته شد و یکی از نضای هیئت اجرائی به معرفی اعضای حاضر پرداخت . پیامهایی که از سوی تشکل پناهجویان ایرانی در ترکیه و نیز تعدادی از کارگران ایرانی فعلی مقیم در ترکیه به مجمع عمومی ارسال شده بود، زائت شد. نامه یکی از اعضای هیئت اجرائی که بدلیل بیماری مجبور به استعفاء خود و عدم حضور در مجمع شده بود، خوانده شد . سپس بقیه در صفحه ۲

افزایش شدت استثمار در کارخانجات

اخبار رسیده از ایران حاکی از آنست که رژیم در ادامه سیاست عمومی اش مبنی بر امتیاز دادن به سرمایه داران و افزایش فشار بر کارگران ، طی دوره گذشته بنحو فعالی سعی در افزایش شدت کار (شدت استثمار) کارگران دارد. در همین رابطه نقش بخش "حراست در کارخانجات افزایش یافته که وظیفه اصلی اش همانا کنترل کارگران و فشار در جهت افزایش تولید است . بنیاد باصطلاح "مستضعفان" و سایر بنیادهای ثروتمند و صاحب سرمایه رژیم که اینک بخش قابل توجهی از کارخانجات و شرکتهای را تحت مالکیت خود دارند هر کدام بخش حراستی برای خود ایجاد کردهاند که قسمتی از آن مستقر در کارخانه و بخش دیگر بصورت سیار میباشد . بقیه در صفحه ۹

آشنایی با اتحادیه ها

کارگران عضو انجمن پناهنده در انگلیس تصمیم گرفتند که همگی عضو اتحادیه T & G شوند که یکی از بزرگترین اتحادیه های انگلیس بوده و دارای يك میلیون و سیصد هزار عضو میباشد . پس از پر کردن فرمهای مخصوص اتحادیه و پرداخت حقوق عضویت همگی عضو این اتحادیه شدیم و بنا به درخواست مجالسهای ناشتم با یکی از مسئولین این اتحادیه در ارتباط با آشنا شدن به مسائل اتحادیهای در انگلیس .

جلسه روز شنبه ۲۹/۹/۹۰ از ساعت ۹ تا ۴ بعد از ظهر نامه داشت و با معرفی هر يك از ما شروع شد. سپس مسئول اتحادیه شروع به صحبت کرد. او گفت: بقیه در صفحه ۱۰

گزارشی از تجربیات سندیکای پروژه های

اصفهان در سالهای ۵۷ تا ۵۹

در سال ۵۷ با اوج گرفتن قیام مردم ایران بر علیه رژیم شاه و به خیابان کشیده شدن مردم و رودرویی مستقیم برای سرنگونی رژیم شاه، که اکثریت آنها را کارگران تشکیل میدادند و با توجه به غارت شرکتهای امپریالیستی که از دهه هفتاد با سرمایه گذاری در پروژه های مختلف دهها هزار کارگر را برای کار مزدوری بکار گرفته بودند که این شرکتهای در اصفهان عبارت بودند از: شرکت بقیه در صفحه ۴

ضرورت ایجاد تشکلی مستقل و

سراسری از تمامی کارگران پناهنده و مهاجر

در گردهمایی کارگران پناهنده و مهاجر که اخیرا در آلمان برگزار شد بطور مشخصی دو نظر وجود داشت: يك نظر این بود که اصولا چرا بایستی کارگران پناهنده دور هم جمع شوند و از جمع شدن آنها چه نتیجه ای حاصل میگردد و همین نظر می گفت که کارگران میبایستی در اتحادیه های کشورهای مقیم عضو شوند و مسائل خود را همانجا حل و فصل نمایند و اصولا جمع شدن کارگران زیر نام ملیتی مشخصی ناسیونالیسم است و ضد انترناسیونالیسم و همانند دسته زنجیر زنی بو شهرها و آذربایجانهای مقیم مرکز میباشد، که در ماه محرم جمع بقیه در صفحه ۲

اخبار کارگری

گفتگو با يك کارگر ترك در هلند

اعمال ضد کارگری کارفرمای فورد انگلستان

سندیکا ، خار در چشم سرمایه دار

يك خیر از انجمن کارگران تبعیدی

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

ضرورت ایجاد تشکیلی مستقل و سراسری از تمامی کارگران پناهنده و مهاجر

دنباله از صفحه ۱

می‌شوند و سینمای و زنجیری می‌زنند و بعد به دنبال کار خودشان می‌روند!

نظر دومی هم بود که ایجاد تشکیلی از کارگران پناهنده و مهاجر را در ارتباط با مسائل کارگران داخل کشور می‌دید و ضمن قبول رفتن در اتحادیه و فعالیت در آنها تنها در فکر رفع مشکل فرد خویش نبود بلکه بودنش را در ارتباط با کارگران داخل میدانست.

حامل نظر اول تمام نیرو و انرژی اش را صرف این موضوع نمود که بتواند به مجمع کارگران بقبولاند که تشکیلی بی تشکیلی و جمع شدن شما در خارج بی‌مورد است، پاشید و دنبال کار خودتان بروید و اصولا جمع شدن تعدادی کارگر آنهم با اسم ایرانی چیز مسخره‌ای است! از نیت گویندگان این تفکر که بگردیم می‌بینیم که محور اصلی استدلال آنها این بود که ناسیونالیست بودن چیز بدی است و باید انترناسیونالیست باشیم و این دو را روبرو و در تقابل با هم قرار میداد و نتیجه می‌گرفت که یا این یا آن. یا باید ناسیونالیست بود یا انترناسیونالیست و اصولا کسانی که ب فکر جمع کردن کارگران ایرانی بدور هم هستند به آرمان پرولتاریای جهان لطمه می‌زنند و آنان را از دیگر کارگران بدور نگه‌می‌دارند. جوهر اصلی بحث حاملان این تفکر آن بود که اگر افرادی پیدا شوند که بخواهند در کنار هم جمع شده و برای رساندن صدای کارگران داخل کشور سیاست مشترکی را در پیش گیرند این ضد انترناسیونالیسم کارگری است و "حرکتی

است ارتجاعی". حاملان این تفکر در ذهن خود از ناسیونالیسم هیولایی ساختند که وجودش را مضر پیشبرد مقاصد کارگری قلمداد می‌کردند و بعضی از این دوستان، حتی درک روشنی از نظرات خود ارائه نمی‌دادند و اصولا بجائی رسیدند که "یا نظرم و یامن نیستم" و ابتدائی ترین و پایهای ترین اصول حرکت جمعی یعنی احترام به آرا، جمع را نادیده گرفته و چون مجمع عمومی با نظرات نا پخته آنان مخالفت کرد، متأسفانه جلسه را ترک کردند. حاملان این نظر که تعدادشان از انگشتان یک دست کمتر بود اصولا برایشان قابل هضم نبود که آنها هم میتوانند ایرانی باشند و هم معتقد به همبستگی جهانی. من یک کارگر ایرانی معتقد به انترناسیونالیسم هستم! من در مرحله اول بایستی تشکیلی خودم را داشته باشم، اتحاد یکپارچه کارگران کشورم را مد نظر قرار دهم، بعد ابراز وجود کم در سطح جهان. مگر از تجمع سندیکاها، اتحادیه بوجود نیاید، مگر جمع اتحادیه‌ها کفدراسیون کارگری را نمیسازد مگر سازمان بین المللی کار تجمع کارگران کشورهای مختلف نیست؟ آیا آنها که نماینده واقعی کارگران در کفرانس بین المللی کار هستند و از کشورهای مختلف آمدند نمیتوانند دارای تفکری انترناسیونالیستی باشند؟ آیا حمایت بخشی از کارگران ماشین سازی آلمان از کارگران ماشین سازی آفریقای جنوبی مغایر با کدام یک از این دو است؟ آیا کارگران ابتدا یک تشکیلی سراسری جهانی بوجود آورده‌اند و بعد از کارگران آفریقای جنوبی حمایت کرده‌اند یا اینکه بنام اتحادیه کارگران آلمان با درک اصولی از انترناسیونالیسم اهداف خود را به پیش می‌برند؟ کجای کار اینها ضد منافع

کارگران جهان است؟

از این دوستان بایستی پرسید پس بر مبنای این تفکر وجود سازمانهای مختلف ایرانی در خارج چه معنائی میدهد و اصولا اینها چرا خود را منحل نمیکنند؟ چرا سازمان زنان و انجمن نویسندگان و کانون های مختلف دیگر ایرانی بدور هم جمع شده‌اند؟ مگر در خارج از این تشکیلات وجود ندارد، چرا اینها در داخل تشکیلات خارج فعالیت نمیکنند پس دلیل وجودی آنها چیست؟ چرا این دوستان این نسخه را فقط برای ما و تجمع کارگری می‌پیچند و سئوالات بسیار دیگر. باید گفت بهمان دلیل که وجود تمامی سازمانهای موجود سیاسی ایرانی لازم است (که البته یکی شدن آنها آرزوی ماست) بهمان دلیل نیز ایجاد تشکیلی از همه کارگران پناهنده و مهاجر ضرورت دارد. تازه مگر نه اینکه اکثریت همین سازمانهای سیاسی هدف اصلیشان متحد کردن کارگران است؟ چهارچوبه مسائل داخلی ایران برای کارگران خط و برنامه در نظر گرفته‌اند پس چطور است که این سازمانها ضرورت تشکیلاتشان را بر این پایه بنیان بگذارند که کارگران رازیر یک برنامه جمع کنند و ما کارگران اگر بخواهیم دور هم جمع شویم و تشکیلاتی بوجود آوریم این نادرست، غیر اصولی و حرکتی است ارتجاعی. پس چگونه است که این دوستان میگویند خودتان بایستی متحد شوید، بایستی دیگران شما را بدور هم جمع کنند و زیر فرمان آنها باشید.

منکه از بحث این دوستان نتایجی جز این نگرفتم که همواره ما کارگران می‌بایستی آقا با لاسری داشته باشیم که طبق فرمان و نسخه او حرکت کنیم و سرپیچی از آن ضد منافع کارگران جهان است، حال در کارخانه حتما بایستی کارفرما باشد و در خارج عدای دیگر که اکثرا حامل گرایش غیر کارگری. این گرایش همان تئوری موتور کوچک را دنبال دارد و حاصلی جز آنچه بر آنها گذشت در بر نخواهد داشت. این گرایش فقط تا نوك دماغش را میبیند، کمی به جلو نگاه نمی‌کند باشد، ما دسته سینه زنی ایرانیهای مقیم خارج را بوجود می‌آوریم، ولی با همان نیتی که پیشینیان ملاحا- امام حسین را کشتند و ۴۰۰ سال دسته سینه زنی و زنجیر زنی و گمب و بارگاه براه انداختند و پس از ۱۴۰۰ سال بر کرده من و تو سوار شدند و آنچنان بلا بسر ملت ایران و طبقه کارگر آوردند که اراده قوی و آهنین و غرور راسخ و استوار میخواهد که جسد متعفن این هیولای سیاه و شام را از کرده مردم بدور افکند نه آنکه تنها به فکر رفع مشکلات خود و یا این نیت بدون اتحادیه‌ها رفت که مسائل و مشکلات فرد خویش را حل کرد، اگر مشکل رفع مسائل شخصی بود که ما حالا در این جهنم غربت نبودیم در همان ایران براحتی بهتر از خیلی‌ها میتوانستیم گلیم خود را از آب بیرون بکشیم.

مگر همین بوشهریها و آذربایجانیها همانند خیلی‌های دیگر در تهران نمیتوانستند به میکده‌ها روی آورند و دنبال عیاشی خود باشند، چرا دسته سینه زنی و زنجیر زنی و نوحه‌خوانی بوجود آوردند، مگر اینکه دید دراز مدتی برای عمل خود داشتند و میدانستند با وضع

گزارش مجمع عمومی

پناهه ازسغه ۱

تر کارگران تبعیدی ایرانی در مبارزات و تشکلهای محل زیست فعلی خود و برای بدست آوردن حقوق و شرایط کاری برابر بین کارگران بومی و مهاجر تلاش کرد.

نظردیگر بر این باور بود که باید مضمون فعالیت تا کنونی انجمن را حفظ و ارتقادات و اصلاحاتی بر آن وارد کرد، باید فعالیت آینده را به بردن مسائل و مشکلات کارگران ایرانی بطور عملی به میان کارگران و تشکلهای مختلف معطوف و با تاکید بر همبستگی بین المللی بایستی با تمامی کارگران همکاری کرد، و از مبارزات آنان دفاع نمود، اما در هر حال محور اصلی فعالیت را بایستی در پایبندی و پیوند با مبارزات کارگران ایران و در رابطه با آنان قرار داد. نظر دوم حائز اکثریت آرا بود و نمایندگان انجمن کارگران پناهنده نیز پلاتفرم و اساسنامه تشکل خود را در این چارچوب دانسته و از نظر خودشان همکاری نزدیک انجمن خود را با انجمن کارگران تبعیدی بلامانع دانستند، ولی تصمیم نهایی را به تصویب مجمع عمومی خودشان موکول نمودند (که این همکاری نزدیک بعدا در مجمع عمومی آن انجمن بتصویب رسید و قرار بر این شد که در این دوره "کارگر تبعیدی" نشریه مشترک دو انجمن باشد، و مجمع عمومی آینده را بطور مشترک برگزار کنیم) .

سرانجام انتخابات اعضای هیئت اجرایی و بازرسین انجمن برای ۶ ماه آینده انجام گرفت و مجمع به کار خود پایان داد.



کنید و در اختیار جنبش کارگری کشورمان قرار دهید، از تجربیات دیگر کارگران و جنبش بین المللی استفاده کنید، شعور و درک سیاسی - تشکیلاتی خود را بارورتر کنید و برای جنبش کارگری کشورمان کادرهای ورزیده ای پرورش دهید.

بنظر شما چه کسی بهتر از خود کارگران میتوانند این کارها را بکنند؟ بنظر شما کدام يك از سازمانهای موجود که واقعا کارگری هستند در این راه با ما کمک نمیکند. مگر اینکه همین درک کم سیاسی را که فعلا بدان دست یافتیم در ارتباط با همین سازمانها بدست آورده ایم؟ پس چگونه است که فکر میکنید ما تنها خواهیم بود و ما را از جمع شدن بدور هم منع میکنید؟ این کجایش ضد انترناسیونالیسم است؟

بنابر این من فکر میکنم ضرورت يك تشکل سراسری از تمامی کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی در سطح خارج از کشور ضروری است و بایستی در جهت پیشبرد این اهداف حداکثر تلاشمان را بکاربریم و اطمینان داشته باشیم که تمامی آنهايي که نیتشان خدمت به این طبقه است در کنارمان خواهند بود، راهمان را ادامه دهیم و بسا ایمان راسخ که به نتیجه مطلوبی خواهیم رسید، از هیچ مشکلی نهراسیم.

پداله

ضای هیئت اجرایی ضمن یادآوری وظائف محوله مجمع قبلی تقسیم کار درونی خود و چونگی آنرا تشریح و گزارش کار خود را ارائه دادند، ۴ انتشار ۳ شماره نشریه کارگر تبعیدی و برگزاری دو سمینار کارگری در دو شهر آلمان جزو کارهای انجام شده بود. همچنین نارساییهای متعدد و نیز مشکلاتی که در امر ارتباطگیری با تشکلهای کارگری بومی وجود داشت توضیح داده شد.

آنگاه اعضای این انجمن در کشورها و شهرهای مختلف، و نیز نمایندگان انجمن کارگران پناهنده، مجمع عمومی را در جریان فعالیت و تجارب خود قرار دادند و حاضرین در مجمع عمومی رهنمودهایی برای اصلاح فعالیت و چونگی برخورد و ارتباط با تشکلهای کارگری مختلف ارائه دادند و تعدادی از آنها نیز انتقاداتی به گزارش هیئت اجرایی و بازرسین انجمن وارد می دانستند.

در این مجمع عمومی اصلاح پلاتفرم و اساسنامه انجمن پیشنهاد گردید و بحث هایی نیز حول آن صورت گرفت که این بحثها به نتیجه نهایی نرسید و سرانجام اساسنامه و پلاتفرم موجود به قوت خود

باقی ماند. نظراتی که در این موارد بیان گردید میتوان در دو محور جمع بندی نمود: يك نظر بر این اعتقاد بود که باید حرکت و فعالیت انجمن را بر بستر مهاجرت کارگران ایرانی قرار داد و برای شرکت فعال

ضرورت ایجاد تشکلی مستقل و سراسری از تمامی کارگران پناهنده و مهاجر

جو فکری موجود بالاخره روزی به نتیجه خواهند رسید و دیدیم که رسیدند. پس باید به همان بوشهرها و آذریهای مقیم تهران در حد خودشان احترام گذاشت که اگر به شهر دیگری هم رفتند لااقل دست از ایده و مرام خود برنداشتند و برای پیشبرد نظراتشان فعال بمانند. پس وای بحال ما که باندازه آنها هم فعال نباشیم و تنها بفکر رفع مشکلات فردی باشیم . بیاد داشته باشیم که يك کارگر بعنوان يك انسان برای رفع احتیاجات فردیش مبارزه نمیکند بلکه يك کارگر بعنوان يك انسان برای تغییر وضع موجود بمیدان می آید. اما گرایش دوم میگوید: کارگران مهاجر و پناهنده بدور هم جمع شوید، با بررسی مشکلات کارگران داخل و ارتباط تنگاتنگی که شما با آنها دارید مسائل و خواستههای آنان را در جمع مطرح کنید، راهحلهایی برای فشار بر جمهوری اسلامی پیدا کنید و از طریق اتحادیههای کارگری که در آنها فعال هستید صدای کارگران داخل کشور را بکوش بقیه برسانید و ماهیت جمهوری اسلامی را به بقیه کارگران بگویید. از طریق همین کارگران و اتحادیههایی که عضو آن هستید و از طریق سازمان بین المللی کار جمهوری اسلامی را رسوا کنید و ماهیت ضد کارگری سائ را افشا نمایید، از طریق همین اتحادیهها سعی کنید قطعنامه هایی بتصویب برسانید که جمهوری اسلامی را از کنفرانس بین المللی کار بیرون کنند، در مبارزات کارگران کشورهای مقیم شرکت کنید، همبستگی عملی خود را با بقیه کارگران نشان دهید، با جمع شدن به دور هم از تجربیات گذشته یکدیگر استفاده کنید.

نگارید این تجربیات عظیم مدفون شوند، تجربیات را جمع بندی

گزارشی از تجربیات سندیکای پروژه ای اصفهان در سالهای ۵۷ تا ۵۹

دنباله از صفحه ۱

فلور حدود ۱۲۰۰۰ کارگر، پلی اکریل ۵۰۰۰، جی اج بی GHB حدود ۶۰۰۰ کارگر و سایر شرکتهای ساختمانی حدود ۵۰۰۰ کارگر را بکار گرفته بودند که بر اثر قیام مردم ایران همانند اغلب شرکتهای وابسته به کشورهای امریکایی و اروپایی تعطیل شدند و دهها هزار کارگر را به خیابانها ریختند.

بعد از پیروزی قیام و سرنگونی رژیم شاه، کارگران پروژههای هم مثل سایر کارگران خود را برای بازگشت بکارآماده کردند ولی روز اول که به سر کار رفتند با درهای بسته کارخانههای خود مواجه شدند. با توجه باینکه در آنزمان هیچ مکانی برای تجمع کارگران وجود نداشت بعد از اینکه تعدادی از کارگران پیشنهاد کردند که ما باید برای گرفتن حقمان دور هم جمع شویم و مشترکاً خواستههایمان را مطرح کنیم و به مقامات مربوطه بدهیم، کارگران تصمیم گرفتند اولین تجمع خود را در مسجد حاج سید رسولیان اصفهان برگزار کنند در این جلسه که تعداد کارگران ۵۰۰ نفر بود، قرار بر این شد که در مرحله اول هر کسی که کارگران دیگری را میشناسد به او اطلاع دهد و در درب شرکتهای مختلف آگهی بزنند که کارگران برای پیشبرد مسائل و مشکلات خود تصمیم گرفتند دور هم جمع شوند و اقدام به گرفتن خانه کارگر که تا آن زمان در دست نمایندگان دست نشانده و کارگزاران رژیم شاه بود، نمایند. از قسمهای اولیه این تجمع تصمیم گیری برای اشغالخانه کارگر بود و قرار شد در روز ۵۷/۱۲/۲۱ همه کارگران بیکار شده پروژههای اصفهان در خانه کارگر جمع شوند.

در این روز هزاران کارگر از اصفهان و اطراف خود را به خانه کارگر رساندند و بعد از اینکه تعدادی از کارگران برای آنها سخنرانی کردند، قرار بر این شد که تعدادی نماینده از بین خود انتخاب کنند و از طریق نمایندگان خواستههای خود را به مسئولین اداره کار اطلاع دهند. در این جلسه علاوه بر کارگران تعدادی از وابستگان جریانات سیاسی چپ هم وجود داشتند که بیشتر تبلیغ نظرات سازمانهای خودشان را میکردند.

در روزهای اول تشکل کارگران، تعداد ۱۰/۰۰۰ کارگر جمع شدند و مهمترین خواستههای آنها عبارت بودند از: ۱- به سر کارهای خود برگردند. ۲- حقوقهای عقب افتاده کارگران پرداخت گردد. ۳- هزینه زندگی که مربوط به تمام کارگران است، پائین آورده شود.

در برخورد به این ۳ خواسته نظرات مختلفی داده میشد که منتهی آنها چنین بود: دسته اول اکثریت کارگران بودند که روی این سه خواسته از نظر اقتصادی پافشاری میکردند و میگفتند مشکل اساسی ما امروز بیکاری و بی پولی ماست و در حال حاضر طرح مسائل سیاسی جایز نیست. دسته دوم کارگرانی بودند که با مسائل سیاسی آشنایی داشتند و همیشه تاکید میکردند که باید این خواستهها چه سیاسی و

صنفی با همدیگر مطرح شوند و دسته سوم روشنفکرانی که طرفدار کارگران بودند و اغلب نظرات جریانات سیاسی را مطرح میکردند و کاری بمابینکه در آن شرایط چه خواستهای باید با الویت بیشتر نسبت به دیگران در دستور کار قرار گیرند، نداشتند. این سه جریان فکری در جریان اولین مجمع عمومی کارگران شروع به شکل گرفتن کردند.

در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۱ که اولین مجمع عمومی برگزار شد کارگران نمایندگان خود را انتخاب کردند و قرار شد خواستههای آنها بصورت کتبی برای وزیر کار وقت (نارنجی فروهر) فرستاده شود که بدون جواب ماند. سپس دومین قطعنامه را صادر کردند و برای اداره کار اصفهان و استانداری فرستادند که باز هم جوابی داده نشد. تا اینکه در تاریخ ۵۸/۱/۶ که قرار بود کارگران دوباره مجمع عمومی تشکیل دهند نمایندگان آنها گزارش کارهایشان را بدهند بعد از گفتگو و نظر خواهی به این نتیجه رسیدند که برای خواسته هایشان که بدون جواب مانده بود دست به یک راهپیمایی به طرف اداره کار بزنند، تعدادی از نمایندگان با توجه به اینکه در آن شرایط هنوز هم توهم نداشتند، میگفتند ما باید هنوز با مذاکرات خود بتوانیم خواستههایمان را بگیریم و ۲ نفری هم بودند که بطور کلی با راهپیمایی مخالف بودند. آنها میگفتند کارگران باید صبر کنند تا ما بتوانیم با مقامات مسئول صحبت کنیم و در این شرایط تنها با طرح خواست دریافت حقوقهای عقب افتاده میتوانیم موفق به دریافت خواستهمان شویم.

بعد از اینکه این چند نفر نماینده سخنرانی کردند، در بین کارگران در رابطه با این نظرات گفتگو جریان داشت و گروهی از کارگران باشک و تردید می گفتند هنوز برای راهپیمایی زود است و لسی اکثریت در آن شرایط با توجه به سخنرانی یک نفر دیگر از نمایندگان کارگران که او را بیشتر میشناختند، قرار بر این شد که به طرف اداره کار بروند و تا برآورده شدن خواستههایشان در آن محل بمانند در جریان این مجمع عمومی عدای از طرف کمیته انقلاب اسلامی حضور داشتند و سعی میکردند که در مجمع عمومی اختلال بوجود آورند ولی بخاطر این که اکثریت کارگران گوش بحرف آنها نمیدادند، نتوانستند موفق به انحراف جلسه شوند. بهر حال راهپیمایی از خانه کارگر که روبروی دانشگاه بود به طرف اداره کار شروع شد ولی بطور کلی شعار مشخصی داده نمیشد. فقط کارگران در صفهای منظم به راهپیمایی خود ادامه میدادند. در مقابل بیمارستان هزارنختخواهی عدای از طرف کمیته و حزب - الله بطرف کارگران حمله کردند. در جریان این حمله عدای زخمی شدند و راهپیمایی متوقف شد و کارگران تصمیم گرفتند به خانه کارگر برگردند. در جریان راهپیمایی برای تعداد زیادی از کارگران علت این تصمیم روشن نبود و بهمین خاطر با این راهپیمایی موافق نبودند و عدای هم بطور کلی مخالف بودند.

حدوداً از ۱۰/۰۰۰ کارگری که در آن روز به خانه کارگر آمدند ۷۰۰۰ نفر آنها در راهپیمایی شرکت کردند و بعد از درگیری اکثر کارگران به خانه کارگر برگشتند و تصمیم گرفته شد که از آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان دعوت شود و به خانه کارگر بیاید و با

صنعی و سیاسی مانند: "حقوق کارگر پرداخت باید گردد" - "کارگر نباید بیکار گردد" - "حرکت در آمدند" از طرف کمیته، حزب الله و بازاریهای زیادی بر علیه کارگران بسیج کردند. در نزدیکی استانداری با حمله کمیته و حزب الله در تعدادی بازاری کارگران مجبور شدند از خود دفاع کنند با شکستن شاخه‌های درخت اکثر آنها را تار و مار کردند و موفق شدند در حیاط استانداری تجمع خود را حفظ کنند.

بعد از وحشتی که مسئولین استانداری از این راهپیمایی پیمان کرده بودند، حاضر شدند در جمع کارگران حضور یابند و دوباره با وعده و وعید آنها را آرام کنند. معاون استانداری، مهندس مصحفر کارگران هو کردند. پرورش، که در آن زمان رئیس کمیته انقلاب اسلامی اصفهان بود، ابتدا با نرمش و بعد با تهدید شروع به فحش و ناسزا به کارگران کرد. کارگران هم او را هو کردند.

در جریان این سخنرانیها، هم کارگران و هم نمایندگان آنها باین نتیجه رسیدند که تا برآورده شدن خواسته‌هایشان در همان محل مانند از ساعت ۸ شب به بعد تعرضی حزب الله که تعداد زیادی بازاری را هم بسیج کرده بودند، با پشتیبانی کمیته شدت گرفت. و درگیری شدیدی رخ داد که منجر به کشته شدن بکفر و زخمی شدن چهار کارگر دیگر شد. با وجود درگیری هم کمیته چی‌ها موفق نشدند کارگران را از استانداری اخراج کنند. سانی بعد طاهری، امام جمعه اصفهان به آنجا آمد و قول داد که فردا با تهران تماس بگیرد و خواهشهای کارگران را مطرح نماید. به خواسته‌های کارگران تعقیب و محاسرات مسئولین کشته شدن بکفر بنام ناصر توفیقیان و زخمی شدن چهار نفر دیگر اضافه شد.

در آن شب (۱/۱۸) کارگران با گرفتن قول اینکه به خواسته‌هایشان رسیدگی میشود، ساختمان استانداری را ترک کردند و تراسر گذاشتند فردا دوباره در درآنجابانند. فردای آروزهم ازسوی طاهری هم جوابی داده نشد و بعد از مدتی او گفت که مشکل شما به اداره کار مربوط میشود. دوباره به اداره کار رفتیم و آنها جواب دادند که شما رسمیت ندارید! شما باید سندبکای خودتان را به ثبت برسانید تا ما بتوانیم به خواسته‌های شما رسیدگی کنیم. باین ترتیب نمایندگان موقت فرا خوان برای مجمع عمومی جدید و تهیه و تصویب اساسنامه و انتخاب نمایندگان را دادند. پس از يك ماهی، مجمع عمومی برگزار شد که در آن چند نفر از طرف اداره کار هم بعنوان نظارت بر انتخابات حضور داشتند و قرار شد بعد از اینکه نمایندگان انتخاب شدند و اساسنامه تصویب شد، نمایندگان به تهران نزد داربوش فروهر وزیر کار وقت بروند و سندبکا را به ثبت برسانند. من بعنوان یکی از نمایندگان در این جلسه شرکت داشتم.

لازم به تذکر است که ما را تنها يك ماهی منتظر وقت گرفتن از وزیر به این طرف و آنطرف رجوع میدادند. در این دیدار ما موفق شدیم که قول ثبت سندبکارا بگیریم و وزیر کار قول داد که فردای آن روز نامه ما را برای اداره کار اصفهان بفرستد. ما خوشحال ازاینکه موفق شدیم به اصفهان برگشتیم و منتظر جواب کتبی شدیم. کارگران هر روز از تعدادشان کاسته میشد بعد از درگیری ۵۸/۲/۱۸ و بلاتکلیفی که برای آنها پیش آمده بود، هر روز بر ناامیدیشان افزوده میشد تعداد کمتری به خانه کارگر می آمدند.

سخنان کارگران گوش کند او با توجه به وسعت راهپیمایی ماو تاثیر گذاشتن آن کلا بر جو شهر اصفهان این دعوت را پذیرفت ولی جزوعده و وعید خشک و خالی چیز دیگری نصیب کارگران نشد.

بهر حال از راهپیمایی اول تا دوم که در تاریخ ۵۸/۱/۱۸ اتفاق افتاد، هر روزه تعداد زیادی از کارگران از صبح تا بعد از ظهر در خانه کارگر جمع میشدند و منتظر جواب مسئولین بودند. در طی این چند روز رفته رفته از تعداد کارگرانی که قلا معتقد بودند با مناکر ه خواسته‌هایشان برآورده میشود، کاسته میشد. اینجایا بعد حاضر نشان کرد که با توجه به بانگ کی کارگران که در این تجمع شرکت داشتند. هر هفته و حتی روز بروز خواسته‌هایشان تغییر میکرد. سرانجام بعد از چند روز از هر شغلی در محل خانه کارگر سندبکایی تشکیل شد. بخش وسیعی از کارگران پروژهای اصفهان در قسمتهای ساختمانی مثل لولم کشی، جوشکاری، نجاری، آرماتوربندی، بنایی و سایر شغلهای مربوط به پروژههای صنعتی بودند. بنابر این در جریان تصمیمگیریها مشکل بود که اگر اداره کار بگوید ما تمام لولمکشها را احتیاج داریم و کار برای آنها در حال حاضر وجود دارد چه تشریح بر مقسبه کارگران میکنارد.

در اوایل شکر گیری سندبکا هر روز عدهای گردیدند از طرف اداره کار به خانه کارگر می آمدند و اعلام میکردند که مثلا ما ۴ نفر لوله کش احتیاج داریم و سبستی که اداره کار و همه مسئولین شهر اصفهان در پیش گرفته بودند، تفرقه انداختن در بین کارگران بود اما با توجه بهمد این ترفندها موفق نشدند که این تشکل را از بین ببرند.

در فاصله بین ۵۸/۱/۶ تا ۵۸/۱/۱۸ پیامهای همستگی از طرف کارگران پروژهای تهران و آمانان چه بطور حموی و چه بطور کتبی در روحیه کارگران تاثیر خوبی داشت.

همانطور که در ابتدا اشاره شد سد جریان فکری در میان کارگران هر روز با دادن نظریه‌های مختلف در رابطه با مسائل و مشکلات روزمره کارگران، فاصلشان از همدیگر بیشتر میشد و تحت تاثیر این شرایط اتفاق نظر کارگران را تحت الشعاع قرار میداد. از طرف دیگر هواداران سازمانهای سیاسی که اکثر آنها روشنفکران طرفدار کارگر بودند، با سعی در گرفتن رهبری این حرکت و تمام کردن آن بنام سازمان خودشان باعث میشدند که این چند دستگی به سرعت پیش بروند.

در دیدارهای نمایندگان کارگران و ادارهای مربوطه، اداره کار و استانداری وعده داده بودند که به مشکلات کارگران جواب داده خواهد شد و چون مهلت آن به سر رسید کارگران تصمیم گرفتند که در تاریخ ۵۸/۱/۱۸ مجمع عمومی خود را برگزار کنند. در این جلسه نمایندگان گزارش کارشان را دادند و بعد از چند ساعت بحث و گفتگو تراسر بر این شد که يك راهپیمایی بطرف استانداری کنند.

کارگران که میدیدند بعد از دو ماهی که از انقلاب میگذرد و مسئولین مربوطه دست رد به سینه آنها زده بودند و از طرف دیگر بعد از ماهها بیکاری واقعا به نان شب محتاج بودند، مجبور بودند که صدای خود را به دیگران برسانند. بهر حال کارگران در روز ۱۸/۱ از خانه کارگر بطرف استانداری حرکت درآمدند و فاصله خانه کارگر تا استانداری را که در مرکز شهر اصفهان است با دادن شعارهای

گفتگو با يك كارگر ترك عضو جمعيت كارگران ترك در هلند

س - كلاً چه عوامی باعث شد سيل كارگران ترك سوی اروپا بخصوص آلمان و هلند سراربر شود. و تاريخ آغاز آن کی بود؟
 ج - همانطوریکه میدانید مسئله مهاجرت در همه جای دنیا هست و چنین میتوان بیان داشت که با پیشرفتهای تکنولوژی این مسئله تشدید شده است انقلاب تکنولوژی در آلمان و انگلیس که در ایسن اواخر فقر و گرسنگی و بیکاری را بدنبال داشتند و باعث مهاجرت زیادی شده است. بعضاً نیز عوامی سیاسی تحیل بوده. حتی در داخل ترکیه نیز از سالهای ۳۰ به بعد دیده شده که زندگی شهری بیشتر روستاییان را جذب کرده است. در حالیکه با آغاز فعالیت کارخانجات نیز امکان جذب این نیروی آزاد در شهر ممکن نیست. از طرفی کشورهای اروپای غربی که از جنگ فارغ شدند با حمایت آمریکا باید در مقابل "خطر کمونیسم" تقویت می شدند و از طرف دیگر نیروی کار زیادی هم در جنگ دوم جهانی از بین رفته بود که بر نیاز نیروی کار می افزاید که بعد از آن ایتالیاییها و یونانیها و یونانیها و یوگسلاوها و ترکها و ۰۰۰ بعنوان نیروی کار به کشور-های فوق الذکر مهاجرت میکنند.

۱۵۰۰ و ۰۰۰ کارگر کار میکنند. ولی الان سرمایه کارگران زیادی از ترکها اینجا هستند که هر کدام تعدادی را زیر دست دارند. کسان بوتیک دارند، کسانی کافه رستوران و ۰۰۰ و بابعضی دانشجویدو بعضی کارها را سوسپال میکنند. بانی نیز اکثراً در کارهای نظافت مشغولند.
 س - پس بیشتر کارگران در کارخانه کار نمیکنند و در کارهای سیاه و غیر رسمی مانند نظافت و کارهای پست مشغولند.
 ج - رسمی کار میکنند ولی کارهای پست. شکستی که - اشاره کرد نزدیک به ۲۵ سال از ورود موج عظیم کارگر ترك به هلند میگذرد. عدهای بازنشسته شدند و عدهای در رشتههای مختلف تحصیل کرده وارد ادارجات شدند ولی با این همه اکثریت یا بیکارند و یا در کارهای پست مشغولند.

سالهای ۶۲-۶۱-۶۰ شاهد هجوم کارگران ترك به اروپا بود. سال ۶۰ با آلمان و ۶۴ با هلند قرارداد صدور نیروی کار امضا شد و بعداً به تمام کشورهای اروپایی کارگر ترك مهاجرت نمود. اینکاریدو صورت انجام میگردد: ۱- بطور قانونی یا توسط اداره کار که پس از آزمایشات و معاینات کامل پزشکی بطور رسمی اعزام میکنند. ۲- بطور قاچاق که فامیل شخصی برایش کار پیدا میکند او مشغول میشود آمارهای موجود عده کارگران مهاجر ترك اروپا را بالغ بر ۲ میلیون نشان میدهد که بیشترین آن در آلمان هستند: بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر در هلند نیز بیش از ۲۰۰ هزار کارگر ترك کار میکنند.

س - کارگران ترك و هلندی تا چه حدی سازماندهی شدند و تا چه حدی ترکها با سندیکاهای کارگری هلند رابطه دارند.
 ج - ترکها در اینجا با توجه به نیازهای احتمالی خود کانونهایی از جمعیت *Belandse Turkisch Brediging* تشکیل داده اند. که سعی کرده در رفع نیازهای احتمالی کارگران در سطح هلند موثر باشد. *HTIB* در سال ۱۹۷۶ تشکیل شد. سند کانونها و جمعیت های مختلفی با فعالیت منقطعی شروع بکار کردند.

س - تا اندازهیکه ما از طریق اخبار و جزایر باخیر شدیم هلند بیش از ۱۰ درصد بیکاری دارد ولی با اینحال باز هم کارگر وارد اینجا میشود آیا اینکار از طریق اداره کار و بطور رسمی است؟
 ج - خیر - آنها همگی بصورت قاچاق وارد میشوند. پذیرش کارگر تقریباً بعد از بحران نفت در سال ۷۴ متوقف شد تنها در موارد ناری که کارگر حرفه ای لازم بوده کارگر وارد شده است.
 س - از این ۲۰۰ هزار ترك ساکن هلند چه درصدی کارگرند، اکثریت یا ۰۰۰؟

این اواخر نیز انجمنهای مذهبی زیاد شدند. بهر حال فعلاً میتوان گفت کارگر ترك بدون سازمان نیست و در یکی از انجمنها کانونها فعالیت دارد و یا عضو است. ولی در مورد هندسیها باید بگویم بیشتر در سندیکا متشکلند. اما مفهوم سندیکا در اسجا با ترکیه یکی نیست اینجا هر چهار سال يك بار سیکادی کرغرمایان و کارگران با دولت در يك نشست برای يك برنامه چهار سانه در صد اضافه حقوق را با هم تعیین میکنند در حالیکه ترکیه اینطور نیست و سندیکا مطالبات خود را در مقابل دولت اعلام میداند. به این علت حالته نافع در میان کارگران در هلند ایجاد میگردد که میل چندانی به عضویت از خود نشان ندهند.

ج - هزار با کارگر قاچاق و توریست و غیره حساب شده است. طبق آمار رسمی ۱۷۵۰۰۰ ترك در هلند زندگی میکنند.
 س - از این تعداد چه درصدی کارگرند؟
 ج - میان این تعداد زنان و بچهها و دانشجویان نیز هستند. اما چه درصدی کارگرند نمیدانم. فقط اینرا میتوانم بگویم که نزدیک ۵۰ درصد بیکارند کسانیکه زیر سن دارند و ۰۰۰.

س - گفتید این اواخر تشکلهای مذهبی در سطح هلند زیاد شدهاند آیا میتوان از کودتای نظامی ۱۹۸۰ متاثر باشد تا چه حدی (درصدی) از کارگران در این تشکلهای مذهبی و ناسیونالیستی شرکت دارند و تا چه حدی بر اساس منافع طبقاتی خود متشکلند.

س - این تعداد بیشتر در چه کارهایی مشغولند؟
 ج - اینطور باید گفت که کارهای سنگین و پست که کارگران هلندی انجام نمیدهند مال ترکها و عربها و ۰۰۰ است.
 کارگران ترك بیشتر در کارخانجات کشتی سازی کار میکردند که الان هیچکدام از این کارخانه ها فعالیت ندارند و تعطیلند بسیار آن بر تعداد بیکاران افزوده شد. مثلاً در یکی ۵۰۰ در دیگری

ج - هلند مثل ایران و ترکیه نیست که کارگران بر اساس منافع طبقاتی خود متشکل شوند. تفاوتهای زیادی مابین اینجا با کشورها ما هست اینجا نمیتوان فاصله طبقاتی را اندازه ایران و ترکیه حس کرد. روابط بین کارگر و کارفرما، استثمار کننده و شونده و فرهنگ بطور کلی تفاوت زیادی با ایران و ترکیه دارد.

از طرفی نیز کودتای ۸۰ بیشترین ضربه خود را بر بیکرچینر چپ زد. سازمانها تار و مار شدند و اعضای آنها بازداشت شدند. چپ شدن جرم محسوب و حکم اعدام برای عده زیادی (باین گناه) صادر شد ولی خواه ناخواه وضعیت ایران و رژیم خمینی نیز تاثیر خود را در مسئله گذاشت. جنبشهای ناسیونالیستی و چپ نیز که میخواستند اساس منافع طبقاتی کارگران اینجا را متشکل کند عقب نشینی کرده، عده فعالیت خود را متوجه ترکیه و دفاع از حقوق بشر و دمکراسی

۷۴ سال تاسیس HTIB کمک شایانی به کارگران توریست شد. توسط HTIB ولی فقط برای کارگران و متاسفانه در مقاطع مختلف آلت دست دیگران شد.

بهر حال ترکها اعتماد زیادی به HTIB دارند. حالا ما هیچ تبعیضی قائل نمیشویم حتی از عقاید مختلف در هیئت مدیره کار میکنند.

س - با این وصف آیا شما از طبقات مختلف عضو میگیرید فقط از کارگران؟
ج - همه میتوانند عضو سازمان ما شوند ولی موقعیکه سازمان ما شروع به فعالیت نمود یک گروه در هلند بود کارگران. اما حالا صاحبکار و کارگر و دانشجو و ورزشکار، یعنی از تمام اقشار عضو HTIB هستند.

آزمان اسم HTIB بطور سمبولیک جمعیت کارگران ترک مقیم هلند بود در حالیکه آن هیچ شرطی قائل نیستیم مگر فاشیسم.

س - آیا شما با سازمانهای بیگانه نیز در ارتباطید یا نه؟
ج - ما در مقاطع مختلف با سازمانهای ملیتهای دیگر فعالیت مشترک داشته و داریم که دارای ۲۴ ملیت عضو میباشند. غیر از آن پلاتفرم آسترادم و پلاتفرم کارگران بیگانه نیز در آسترادم هست که بعضا فعالیتهای مشترک داشتهایم.
س - فقط ایندو تشکل در آسترادم هستند؟
ج - بله ایندو تشکل مادر هستند.
س - بنظر شما موفق بودهاند؟
ج - مسلما، کاربرا که ما بتنهایی باید انجامش میدادیم با هم انجامش دادیم.

س - این پلاتفرمها تشکلهای کارگریند یا ...
ج - در آسترادم یک پلاتفرم کارگریست، دیگری ضد نژاد پرستی و در پلاتفرم کارگری فقط تشکلهای کارگری هستند.

س - آیا HTIB عضو هر دو هست؟
ج - بله عضو هر دو.
س - جهنگیری شما در برابر نژاد پرستی چیست؟

ج - پایان دادن به نژاد پرستی دست ما نیست و من هم اعتقادی به پایان آن ندارم تا زمانیکه فرهنگهای مختلف وجود دارد این نیز خواهد بود باید جلوی پیشروی آنرا گرفت و در اینراه قدم گذارد (بنای حرکت ما) که آن نیز ممکن نخواهد بود تا زمانیکه تمام احزاب و انسانهای مرفقی در قبال آن مسئولیت نداشته باشند.

س - سازمان شما تا چه درصدی توانسته است میان کارگران جا بگیرد؟

ج - یک بخش اعضای فعال HTIB هستند و بخش دیگر هوادار-ران. بنظر من میتوان اینطور گفت تا چه میزان HTIB توانسته است منافع این قشر را تامین کند.

س - البته میتوان از فراخوانهایی که HTIB داده است این مسئله را حدس زد.

ج - باین مفهوم نمیتوان حساب کرد حتی احزاب هلندی نیز با این مفهوم جایی در جامعه خود ندارند. آن کسی نیست که HTIB را شناساند. ما را سازمانی چپ و کمونیست میشناسد. میگویند کاری نیست که HTIB نتواند انجامش دهد. فرضی مثال اگر امروز پول بچهما قطع شود طرز برخورد ما باین مسئله میتواند تعیین کننده باشد. اگر در راه احقاق آن موثر بودیم که در جامعه جایی داریم و وزنمای هستیم در غیر اینصورت ...

بقیه در صفحه ۹

در این کشور نمود. ولی حرکت مذهبی چنین کاریا نکرد. شاید زمانی حس ناسیونالیستی از بین برود اما با این وضع مذهب به هیچ عنوان!

س - ما معتقدیم اگر کارگران مسئله انترناسیونالیسم را در نظر بگیرند و بمورد اجرا گذارند مسلما بسمت ناسیونالیسم و دین و مذهب کشیده خواهند شد. بنظر شما تشکلهای چپ ترکیه به این مسئله اهمیتی کافی دادند و با کارگران این مسئله را در مد نظر داشتند؟

ج - انترناسیونالیسم چیز خوبیست من هم خوشم آمد اما هر قدر هم خوش باشد باید اندیشید میگفتند مسئله ملیت در شوروی از بین رفته است. الان خود شوروی از آن در عذاب است. مسئله دومکه حائز اهمیت است برخورد جامعه یا توست. آیا ترا میپذیرد و یا نه جامعه هلندی ترا قبول نمیکند. بنابر این عکس العملی از برخورد آنها ناشی خواهد شد.

کشور هلند دردی مانند قبول کردن کارگر مغربی، ترک یا ایرانی ندارد. آنها ترا جدا میخواهد ببیند از طرفی ما هم خواستیم بنظر بماند. بخاطر آنکه دارای نیروی زیادی باشیم. در هلند هر کس برای خود تشکلی دارد انجمن ایرانیان، انجمن ترکها و ... فردای روزگار همه اینها عوض خواهد شدو جز انجمن فرهنگی چیزی از خود باقی نخواهد گذارد. در این جامعه هیچ حرکتی سیاسی از جانب این تشکلهای دیده نخواهد شد تمام فعالیتهای سیاسی در احزاب هلند و جنبشهای سندیکایی در سندیکاهای هلند انجام خواهند گرفت. و شاید بعضا ترکها در انجمنها جمع شده از خود و فرهنگ و کشورشان صحبت خواهد کرد. جایی برای فعالیت سیاسی نخواهند داشت.
س - بنظر شما هیچ راهی برای برگشت و عقب نشینی از ایمن جریان وجود ندارد و کر چه از نظر ما اتحاد با طبقه خود و احزاب مرفقی میتواند سدی در مقابل آن باشد.

ج - بنظر من این موضوع مستلزم بحث زیاد است که امکان آن از صحبت ما خارج است با این حال فرض کنیم در انتخابات شهرداری آسترادم سه نظر فاشیست روی کار بیاید این مسئله حس ملی گرایی ایرانیان و ترکها و ... را برخواهد انگیزد. اما اگر بعنوان یک شهروند هلندی، حقوق مساوی در این جامعه داشته باشیم مسائل کمتر بروز خواهد کرد. و بنظر من در اینراه باید قدم گذارد.

اگر امروز ۴۰ درصد کارگران آماده بکار ترک بیکارند، مسئله ای است که باید حل شود و همچنین اگر تعدادی از فرزندان ترکها بمدارس عقب مانده فرستاده میشوند مشکل بزرگیست که باید حل شود.

اگر امروز مدارس دینی باز شدهاند مسلما عکس العملی است در مقابل سیستم جامعه هلندی و برخوردی که با خارجی دارد این وظیفه ایست بر دوش ما و قبل از ما بر دوش افراد مرفقی جامعه که با آن برخورد کنند.

س - بیاییم سر سازمان شما، چه شرایطی برای عضویت قایلید؟

ج - هر سازمانی در اساسنامه خود دمکراسی را بنای کار خود قرار میدهد از جمله T K P (حزب کمونیست ترکیه، مشابهتوده) و HTIB و ... و باز هر سازمانی منطقی دارد غیر از خود کس دیگری را انقلابی و دمکراتیک نمیداند HTIB هم به این اشتباه دچار شد، خط سیاسی خاصی را دنبال کرده در این راستا از تشکلهایی حمایت نموده در حالیکه لازم بود آغوشش را برای همه باز کند. سال

سندیکا ، خار در چشم سرمایه دار

توضیح ه - ت :

گزارشی را که در زیر ملاحظه میکنید توسط یکی از رفقا برایمان فرستاده شده است . از آنجا که بر اساس سنت نشریه ما از هر گزارش ، تجربه و خاطره از مبارزه کارگری در ایران و جهان استقبال میکنیم و آنرا با توجه به امکانتان و اولویتهای نشریه درج میکنیم اقدام به درج این گزارش از تشکیل سندیکای کارخانجات صنایع غذایی شهدیمینامیم . ولی نکتهای که باید در مورد این گزارش ذکر کرد این است که اولاً سطح مبارزات و تشکل کارگران صنایع غذایی مشهد بدلیل پراکندگی کارخانهها و تعداد کم کارگران هر کارخانه و خصوصی بودن آن و ساده بودن سیستم تولیدی ۰۰۰ نسبت به کارگران صنایع بزرگ که در همان زمان بزرگترین جنبش کارگری را در ایران و خاور میانه بوجود آورده بودند و حتی پیشروترین کارگران ایران در صنایع نفت میخواستند به " شورای انقلاب " نماینده بفرستند ، بسیار پایین بوده است . و نکته بعد اینکه در زمان گزارش رفته رفته جمهوری اسلامی دست و پایش را جمع میکرد و تعرض خود را به جنبش کارگری از

همان اواسط سال ۵۸ شروع کرده بود و با کمک حزب الهی ها و حاج بازارها ، سندیکاها و شوراها را یکی بعد از دیگری منحل میکرد و پر واضح است که ابتدا از حلقه ضعیف تر شروع کند . بهر حال این تجربه ایجاد یک تشکل کارگری است که بنظرنتان میرسد ولی تجربه زندگی و مبارزه کارگران نشان میدهد که از هر شکست تجربه آموخته و خود را برای حرکت بعدی آماده میسازند . در این جا ما از همه رفقای کارگر و دوستان علاقمند به مسائل کارگری یکبار دیگر میخواهیم با ارسال خاطرات کارگری تجربیات ایجاد تشکلهای ، تجربه شکستها و پیروزیهای کارگران ایران در ۱۰ سال اخیر ، مطالب و اسناد کارگری و غیره ما را در رسیدن به اهداف انجمن در جهت شناساندن جنبش کارگری ایران به همطبقانیا - یشان در سایر کشورها یاری رسانند .

هیئت تحریریه نشریه کارگر تبعیدی

سال ۱۳۵۸ - اوضاع در بخش کارگری کارخانجات صنایع غذایی در مشهد دگرگون شده است . استان خراسان در زمینه تولیدات مواد غذایی و شهر مشهد بویژه بایبش از ۲۰ کارخانه کوچک و بزرگ تولید مواد غذایی (کمپوت، کسرو، نان ماشینی، سوخاری و کیک و غیره) مشهور است . بغیر از چند کارخانه بزرگ که دولتی است بقیه در دست بخش خصوصی میباشد . صاحبان این کارخانجات اکثر اچاقاهای بازاری هستند که اکثر ادر مشارکت با میدان دارهای بزرگ بازار میوه و تره بار شهر مشهد شکل گرفته است . سطح تخصصی و پیچیدگی ابزار و ماشین آلات در این کارخانجات در سطح بالایی نیست بهین جهت کارفرمایان میتوانند بسادگی کارگران یا مهندسین خط تولید را تعویض کنند و با کوچکترین نغمه مخالفت کارگران را از کارخانه بیرون بریزند . سطح دستمزد در این کارخانجات بسیار پایینی و بجز چند سرپرست خط و مسئول دیک بخار و پاستوریزاتورها بقیه حقوقی در حد ۲ هزار تومان دارند . در این بخش صنعت کارگران زن در سطح وسیعی بکار گرفته میشوند . کارفرماها از کار دختران زیر ۱۵ سال سودههای کلانی به جیب میزنند معمولا دستمزد زنها کوتر از کارگران مرد است اختلافی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان مشهود است . البته زنها به کارهایی سبکتر از قبیل تمیز کردن میوه، پوست کندن شستشو و پر کردن در قوطیها و امثالهم مشغولند . مردها کارهای سنگین تر و بعضا تخصصی تر را انجام میدهند . دستمزد دختر - بچهها از زنها نیز کمتر است به آنها ماهی ۱۲۰۰ تومان بیشتر نمدهند . چون باصطلاح استخدام آنها جنبه قانونی ندارد کارفرماها با صربه اخراج براحتمی آنها را وادار به قبول دستمزد های ناچیز می کنند . نفرت و انزجار از کار فرماها ، گسه اکثر ابا انومیلهای لوکس و لباسهای فاخر و رفتار رفوع و واردر کارخانه ها رفت و آمد میکنند ، اکنون یکسال بعد از پیروزی انقلاب رنگ عوض کرده و دایه مهربانتر از مادر شده اند . در این سال حقوق

مهندسین خط تولید بین ۵۰۰ یا ۵۵۰۰ تومان بود . اینها اکثر مهندسین مواد غذایی هستند که در قسمت لابراتوار و کنترل خط تولید مسئول کنترل کیفیت و کمیت محصول تولید شده هستند . حقوق آنها را کارفرما میپردازد ولی در مقابل وزارت بهداشت مسئول و جوابگو هستند . این دوگانگی موجب سوء استفادههای بسیاری شده است . کارفرما از آنها میخواهد که چشمان خود را ببندند و در مقابل تولید غیر استاندارد محصولان سکوت کنند . در غیر این صورت از همان حقوق ۵ هزار تومانی نیز محروم خواهند ماند و این در حالیکه هر روز چند نفر جهت استخدام به کارخانه مراجعه میکنند . کارفرماها در این سال بعلت کمبود نبود سهمیه ای شدن شکر در مصرف این ماده صرفه جویی و در واقع نزدی میکنند میوههایی که در تولید کمیونها استفاده میشود از نظر کیفی بسیار نامرغوب و نسبت به گذشته کاملا غیر استاندارد است . کار مهندسین به التماس از کارفرما رسیده است که شمارا بخدا این اجحافات را نکنند و بیشتر حالت موعظه گرفته تا کنترل واقعی . بعلت شرایط سخت و فشارهای مختلفی که کارفرما وارد میآورد و به دلیل شرایط دگرگون شده بعد از سال ۵۸ نطفه تشکیل سندیکا بسته میشود . تعدادی از همین مهندسین بنیانگذار این سندیکا هستند . بدلیل اینکه در شروع کار و تشکیل سندیکا ، کارگری حضور ندارد و فقط مهندسین هستند بناچار اسم آنرا سندیکای کارگران و کارکنان کارخانجات مواد غذایی مشهد میگذارند . سندیکادر شروع کار دفتری در محل دور افتاده (بدلیل اجارهازانته اجاره کرده و وسائل کار فراهم مینماید . اتفاقا محل سندیکا به دلیل دور بودن از چشم کارفرمایان و بیرون بودن محل موجب تشویق کارگران به نامی با سندیکا شد و کارگران محتاطانه تماسهای خود را سندیکا بفرار نمودند .

تبدیلات وسیعی در جهت شناساندن سندیکا در کارخانجات بر افتاد . تراکتها و اعلامیهها در همه کارخانجات توسط مهندسین

افزایش شدت استثمار در کارخانجات

دنباله از صفحه ۱

محدود شده است .

در ادامه همین سیاست رژیم کارگرانی را که در اثر افزایش شدت استثمار مازاد بر نیاز شرکت میباشند به شیوهها و بهانههای مختلف اخراج مینماید . بعنوان مثال در مجتمع پترو شیمی اراک بجرم واهی به آتش کشیدن انبار کارگران اخراج میشوند ، در مجتمع شهید منتظری بخاطر سردی هوا و نبود وسایل ، در کارخانه "چهره نما" بدلیل کمبود وسایل و در کارخانه قند و شکر اهواز بدون هیچ دلیل روشنی کارگران را اخراج می کنند .

محدود کردن مرخصی ها ، کاهش تعطیلات تابستانی در برخی کارخانجات ، افزایش ساعت کار و یا اضافه کار اجباری از جمله تاکتیکهای رژیم در راستای این سیاست میباشد . بعنوان مثال در کارخانه شیشه و گاز مدیریت طی اطلاعاتی شرایط استفاده از مرخصی های قانونی را محدود میکند که مسئله با اعتراض کارگران مواجه میشود و مدیریت در مقابله با حرکت کارگران از افراد حراست بنیادمستضعفان میخواهد که به شرکت آمده و کارگران را سرکوب کنند در کارخانه پارس الکتریک اضافه کاری اجباری برقرار شده و تعطیلات تابستانی

سندیکا ، خار در چشم سرمایه دار

شهر از جمله اداره کار از هیچ عملی جهت اضمحلال سندیکا خودداری نکردند . مسئولین اداره کار ، نماینده استاندار در امور کارگری و وزارت بهداری که خود در میمانیهای این شایان پولدار سور چرانی میکردند در خفا طرح نابودی سندیکا را ریختند .

بنیانگذاران اولیه سندیکا همه از کار خود اخراج شدند بدون اینکه حمایتی حتی ظاهری از طرف اداره کار مشهود از آنها بشود . شکایات آنها به استانداری و وزارت بهداری همه بی نتیجه ماند به آنها برسب کمونیست زدند حال آنکه تعدادی از آنها مسلمان بوده و نماز میخواندند . سندیکا تا اعلام انحلال آن و غیر قانونی شدن مدتی بکار خود ادامه داد . تعدادی از اعضای اولیه آن که تحت پیگرد قرار گرفته بودند ناچار از ترک مشهد شدند . کارفرمایان بتدریج شروع به شناسایی کارگران عضو سندیکای سابق نمودند . یکی از مهرهای قوی و محکم سندیکا کارگر زنی بنام فاطمه بود که ۱۵ سال سابقه کار در خط تولید داشت و سرپرست ۲۰۰ کارگر بود . او را از کار برکنار نمودند . هر گونه حمایتی از او موجب بیگاری سایرین میشد . او که بسیار محبوب در بین کارگران بود بعدا بسیار سر خورده و مایوس شد . آخرین بار که او را دیدیم گفت : حیف از آن همه زحمتی که کشیده شد ! میگفت که کارگراها میترسند کارشان را از دست بدهند و خانوادههایشان گرسنه بمانند لذا روی حمایت آنها نباید حساب کرد و الخ . البته او توقع داشت که همگی کارگران بخاطر او اعتصاب کنند و حتی مثل او بیگار شوند ولی واقعیت طور دیگری اتفاق افتاد و او نیز بعدا ضمن دادن تعهد و اینکه کارگری مطیع و سرزیری باشد ، به سر کار بازگشت .

ب - ی

شده . اول ماه مه سندیکا با پلاکارد خود و توسط بخشی از کارگران حمایت شد . سندیکا بلافاصله اقدام به تعیین حداقل دستمزد کارگران فصلی ، کارگران زن ، میزان ساعات کار در هفته وضع استخدام کارگران زیر ۱۴ سال نمود . ولی بعدا منع استخدام کارگران زیر ۱۴ سال را بدلیل نارضایتی بخشی از کارگران موقتا حذف نمود . دلیل آن نیز روشن بود چون اکثر این بچهها به خود کارگران شاغل در کارخانهها تعلق داشتند و آنها مایل بودند که فرزندانشان نیز اگر چه حقوق ناچیز ولی بهر حال مبلغی در ماه کمک خانواده باشند . از آنجا که تفهیم این مسئله به همه کارگران که باید فرزندان آنها در این سالها درس بخوانند برای سندیکا در کوتاه مدت امکان نداشت و از طرفی موجب موضع گیری و مخالفت بخشی از کارگران با سندیکا میگردد . همه اینها در شرایطی بود که سندیکا عمر کو تاهمی داشت و مورد هجوم کارفرمایان واقع شده بود . لهنذا مطابق باخواست کارگران سندیکا اقدام به درخواست مطالباتی نمود که شاید حداقل آن چیزهایی بود که مبیایست انجام میگرفت : مثلا در خصوص مسائل بهداشتی و ایمنی محیط کار ، میزان مرخصی ، مرخصی ایام زایمان ، اضافه کار ، پاداش افزایش تولید ، هزینه لباس کار ، یک وعده غذای گرم در محل کار و غیره صحبتی بمیان نیامد و مبارزه بر سر کسب حداقل دستمزد تعیین شده در سندیکا و منع اخراجهای دسته جمعی و فردی کارگران شروع شد .

کارفرمایان نیز بیگار نشستند و با همکاری و استفاده از قوانین ارتجاعی باز مانده از گذشته تاسیس اتحادیه صاحبان صنایع مواد غذایی را اعلام و جشن گرفتند . این اتحادیهها تا مدتها بعد از انحلال و دستگیری اعضای سندیکای کارگران مواد غذایی باقی بود . سران اتحادیه بدلیل داشتن امکانات مالی و روابط محکم با مسئولین طراز بالا ی

گفتگو با يك کارگر ترك عضو جمعیت کارگران ترك در هلند

دنباله از صفحه ۷

نظر ما سندیکا مال کارگران است و باید کارگران را در آن سازمان داد . و ما پرچمدار این تز هستیم .
س - بنظر شما طبقه کارگر ترکیه در حال حاضر در چه موقعیتی قرار دارد ؟

ج - من در این باره زیاد نمیتوانم صحبت کنم چون تخصصی در آن ندارم ولی باید گفت تمام کارگران در سندیکاها متشکل شوند . بدون سندیکا هیچ کاری را نمیتوان پیش برد . هیچ سدی نباید در مقابل آن وجود داشته و روح دموکراسی بر آن حاکم باشد .

س - تا آنجاییکه ما میدانیم سندیکاها در هلند شعبه خارجی نیز دارد آیا شما با این شعبه و هر نوع سازمانی شبیه آن ارتباط دارید ؟
ج - بله ، فدراسیون سندیکاها مسیحی شعبه خارجی دارد که شخصی بنام هالیت دمیرل (ترك) مسئول آنست و روابط خوبی هم با هم داریم .

کمیسیون کنتاکت که سازمانهای خارجی در آن جمعند و بیشتر کارگران را تشویق میکنند تا در سندیکاها جمع گردند به هر حال به

آشنایی با اتحادیه ها

دنباله از صفحه ۱

من میتوانم در تمامی طول هفته بیایم و هر گونه مستلمو سؤالی که داشتید برایتان توضیح دهم ولی مهمترین موضوع اینست که حال که عضو شدهاید بطور مرتب حق عضویت خود را بپردازید و اصولا بیاد بگیرید که چگونه از اتحادیه استفاده کنیم، اتحادیه از افراد مختلفی تشکیل شده که ایرانیان نیز بخشی از این افراد هستند ولی بطور کلی باید بگویم اگر تنها برای این عضو اتحادیه شدهاید که برای کارگران ایران حمایت و همبستگی بگیرید این بتنهایی کافی نیست، شما بایستی در تمامی موارد که اتحادیه به شما احتیاج دارد اعلام آمادگی کنید و در شعبات و جلسات آن شعبهها بطور مرتب شرکت کنید آنگاه مسئول اتحادیه چند سؤال نوشت و از ما خواست که پس از بیست دقیقه فکر کردن به سؤالات پاسخ گوئیم. سؤالات بشرح زیر بود:

۱ - آیا در جایی که مشغول کارید اتحادیه هست یا خیر؟

۲ - آیا فکر میکنید فعالیت در شاخههای T & G مهم است؟

۳ - چه انتظاری از T & G دارید؟

۴ - چه چیزهایی برایتان مهم است که فکر میکنید در ارتباط با

T & G میتوانید به آن برسید؟ پس از بیست دقیقه و مشورت با

یکدیگر، جواب سؤالات باین گونه داده شد:

۱ - در محلات مختلف اتحادیه است و ما فکر میکنیم که مرکز اصلی فعالیت ما بایستی در شعبات باشد. چون در شعبات کارگران جمع میشوند و ما میتوانیم در ارتباط با آنها ضمن کسب تجربیات مختلف آنها، از طریق شعبات مسائل خود را بدون اتحادیه بکشانیم و به نظراتمان برسیم.

اما انتظارمان از اتحادیه این است که از اعتراضات کارگران ایران حمایت کند و اخبار اعتراضات آنان را در نشریه اتحادیه منعکس کند و مهمترین مسئله برابمان حمایت از اخراج جمهوری اسلامی ایران از کنفرانس بین المللی کار است و از طرفی دریافت مرتب نشریه اتحادیه در مورد اینکه چه چیزهایی برابمان مهم است و میتوانیم از طریق اتحادیه بآن برسیم، اینست که شناخت بیشتری نسبت به قوانین موجود کارگری بدست آوریم و بتوانیم از تجربیات کارگران اینجاستفاده کنیم. سپس مسئول اتحادیه شروع به صحبت کرد. او گفت:

اینکه شما خودتان عضو شدید بسیار مهم است و اولین گام را برداشتاید. در این رابطه بایستی فعال باشید و افراد دیگری که میدانید به عضویت اتحادیه درآورید و اتحادیه بخوبی اینرا میداند که در بین ملیتهای مختلف بهترین افرادی که میتوانند برای اتحادیه عضو جدید بگیرند افراد خود همان ملیتها هستند و این موضوع را ما بخوبی دریافتهایم که این آدمها هستند که کارهای اتحادیه را به پیش میبرند. پوسترههای رنگارنگ و قشنگ و تبلیغات، عضو شدن در اتحادیه یعنی اینکه قویتر شدن ما و پیش بردن اهداف اتحادیه با قدرت بیشتر. بنابراین با عضو شدن در اتحادیه میتوانیم به آنچه فکر میکنید برای کارگران ایران مفید است دست یابند. بنابراین این مانند آفریقای جنوبی که هر فرد عضو است و عضو بگیر" شما هم در این زمینهرمیمان ایرانیان بایستی فعال شوید.

یکی از کارگران سؤال کرد اتحادیه در ارتباط با کارگران بیکار چه میکند؟ مسئول اتحادیه جواب داد: البته ما آژانس کاریابی نیستیم ولی با تماسی که با شرکتهای مختلف داریم میتوانیم شماها را کعضو اتحادیه هستیم به آنها معرفی کنیم و در مواقع نیاز از کار شما استفاده کنند. آنگاه مسئول اتحادیه شروع کرد به بازگو کردن تاریخچه اتحادیه. او گفت: ما دارای ۱۴۰۰ شعبه درواحد اول خود با ۳۰۰/۰۰۰ عضو هستیم که من فکر میکنم شعبات " سکوی پرش به دمکراسی است " و اصل و پایه اتحادیه راهمین شعبات تشکیل میدهند. زمان جلسه ماهی بیکار و حداکثر دو ساعت است که معمولا بعد از ظهرهاست شما بایستی بطور مرتب در این جلسات شرکت کنید و مسائلتان را از همین گاتالها بدون اتحادیه بکشانید و بخوبی میدانید که اتحادیه نمیتواند با ۳۰۰/۰۰۰ عضو مستقیما تماس بگیرد بنابراین این مهمترین شکل ارتباط با شاخهها است که چنانچه درخت را در نظر بگیریم از نظر ما ریشهها مهم هستند و زنده بودن ریشهها است که درخت را زنده نگه میدارد. بنابراین این شرکت در جلسات شعبات مرکز اصلی فعالیت شما را تشکیل میدهد و برای ایجاد شعبه جدید در يك محله حداقل بایستی ۵۰ نفر عضو در آن محله باشد و اعضا در همه زمینها دارای حقوقی مساوی هستند.

سؤال شد: آیا اقلیتها میتوانند مستقیما با رهبری اتحادیه تماس داشته باشند و اصولا آیا اتحادیه محلی یا تشکیلاتی مستقل برای کارگران خارجی دارد یا خیر؟ - مسئول اتحادیه: در منطقه شماره يك انگلستان گروهی است بنام تیم عضوگیری که نمایندگان رسمی اتحادیه هستند و سازمانگرد که در مرحله اول راهها و چگونگی عضو گیری را فرا میگیرند و این گروه با ارتباطی که با افراد خارجی و ملیتهای مختلف دارند میتوانند سیاستهایی را به پیش ببرند که مسائل و خواستههای اقلیتها طی بدون اتحادیه برای تصمیم گیری برده شود دیگر اینکه کمیتهای در اتحادیه وجود دارد که روی کارهای نژاد پرستانه کار میکند و فعالیت آن خیلی مهم است و اینها همه در درون اتحادیه کارهایشان را به پیش می برند.

سؤال شد: درست است که کار درون شعبات پایهای مهم است و کاربرد اصلی دارد ولی اگر فرد بخواهد نظرش را در آن شعبات مطرح کند و از طریق آن شعبه به رهبری اتحادیه برساند بسیار طولانی خواهد شد. آیا رهبری اتحادیه برای دسترسی به مسائل و تجارب اعضا راههای سریعتری در نظر گرفته یا خیر؟ مسئول اتحادیه جواب داد که اصولا تجربه وقتی بردر میخورد که آن را در عمل بیاوریم و قوه به فعل تبدیل شود والا، يك کتابخانه با میلیونها کتاب که ملو از تجربه تاریخی است اگر غیر قابل دسترسی باشد با ورق پارها چه فرقی دارند. پس پیشبرد مسائل تجربی لازمه عملش در همین شعبات استیکری از این شعبات سازمانها و ارگانهایی بوجود آوردهاند که میبایستی از درون آنها بگذریم و خواستههایمان را از درون آنها به پیش ببریم و تنها راه و کانال از درون شعبات به پیش رفتن است مسائل سیاسی هم مگر نه همین مسائل روزمره ایست که با آن دست بگریبان هستیم حال چه خواست رفع مشکل مسائل ایمنی

که در شعبات و کمیته‌های مختلف بروید و منم هر گونه کمی که بخواهید با کمال میل انجام خواهم داد. اما لازم است خیلی کوتاه تاریخچه بوجود آمدن اتحادیه را نیز مطرح کنم.

اتحادیه کارگران حمل و نقل و خدمات عمومی T. G. W. U

در سال ۲۲-۱۹۲۰ بوجود آمد که شکل‌های مختلف اتحادیه قبل از این تاریخ نیز وجود داشت. چهارصد سال قبل بیشتر کارگران دهقانان و کارگران فصلی تشکیل میدادند، قبل از بوجود آمدن تکنولوژی بیشتر کارها با دست انجام میگرفت و در این رابطه جمع‌های مختلفی وجود داشت که مشکل اصلی این جمعها این بود که فقط دور خود را میدیدند و بیشتر کارها در دست استاد کاران بود که تخصص را تنها در اختیار خود داشتند و همین جمعها دستمزدها را تعیین میکردند. یکسری از همین اتحادیه‌های موجود مثل انجمن مهندسين و تکسینها که دست راستی هستند که چون گذشته در چهار چوبه منافع گروهی خود حرکت میکنند از سال ۸۰۰-۱۷۰۰ این انجمنها وجود داشتند که بعدا تغییر کردند. از ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۰ انقلاب صنعتی نقطه عطفی بود که تمامی شکل کار را تغییر داد و بنابر این نوع تشکلهای نیز میبایستی تغییر میکرد و اصولا کارگر به مفهوم فعلی کلمه پس از انقلاب صنعتی بوجود آمد.

از ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ کسانی که کار میکردند افرادی بودند که زمین دست کشیده و به صنعت روی آورده بودند و اکثرا غیر ماهر و یا نیمه ماهر بودند و این کارگران بخاطر مشکلات حقوقی که داشتند لازم بود که دور هم جمع شوند. این موضوع باعث شد که در حرفه‌های مختلف کارگران متحد شوند.

مانند باراندازها ۲۲-۱۹۲۰ و آرام آرام اکثر این اتحادیه‌های حرفه‌ای شروع به کار کردن با یکدیگر کردند و اتحادیه T & G را بوجود آوردند. در ابتدا تنها در باراندازی و حمل و نقل اتحادیهها بدور هم جمع شده بودند ولی کم کم صنایع مختلف دیگر را نیز در بر گرفت و اصولا اتحادیه صنایع کوچک برای اینکه از بین نروند در این اتحادیه جمع شدند و از اینرو اتحادیه وسعت بسیاری یافت و اصولا توسعه اتحادیه بدو صورت است یکی عضو شدن افراد و دیگری پیوستن اتحادیه‌های کوچک به این اتحادیه کلاخیرا صحبت است که اتحادیه معدنچیان نیز بما پیوندند زیرا اتحادیه‌ها ۲۵۰/۰۰۰ عضو در گذشته در حال حاضر ۷۰۰/۰۰۰ عضو دارند این موضوع از ۱۹۲۴ شروع به افت داشته و اعضای آن کم شده اند و تا کنون حدود ۹۰ اتحادیه در T & G بدور هم جمع شده‌اند. و ما اکنون یکمیلیون و سیصد هزار عضو داریم و اتحادیه T U C دارای ۸/۵ میلیون عضو داشت. هر کس که عضو میشود مشخصی میگردد که در چه منطقه‌ای قرار دارد که بایستی در یکی از شعبات آن منطقه فعال باشد. ما در کل انگلستان ۱۱ منطقه با ۸۰۰ شعبه داریم. در منطقه یک با ۲۵٪ کل اعضا ۱۴۰۰ شعبه وجود دارد که فعالترین منطقه هاست و سیصد هزار عضو در این منطقه است. بعلت نامشدن وقت بقیه صحبت‌ها به جلسه دیگر موکول شد.

یداله - ۹۰/۹/۱۰

کارگاه باشد و یا مشکلات دیگر کارگری، چون تمامی این مسائل برای پیشبردشان بایستی با دولت درگیر شد و با توجه باینکه دولت مشغول قطع اکثر مزایای کارگری است عموما همه‌خواست‌ها درگیری با دولت را باعث میشود و تنها زمانی میتوان به خواسته‌ها دست یافت که توده کارگران را بدنبال داشت و آنها برای خواسته‌هایشان پافشاری کنند و این زمانبست که عموم کارگران در شعبات اتحادیه فعال باشند و درگیر مسائل و خواسته‌های خود و با اطلاع از چگونگی برخورد دولت با این مسائل.

سؤال شد: آیا کمیته‌ای در اتحادیه وجود دارد که با مسایل داخل کشورهای مختلف آشنا باشد و در قبال حرکت‌های ضد کارگری دولتهای کشورهای مختلف تصمیم گیری کند؟ سؤال اتحادیه گفت: اولاً که اتحادیه نمیتواند و آن قدرت را ندارد کماز تمامی مسائل و اتفاقات درون کشورهای مختلف با خبر شود و با آنها برخورد کند، ولی جامعه انگلیس مثل ماهی میماند که استخوانبندی آنرا آدمهای مختلفی که در اینجا کار میکنند تشکیل میدهند زمانی که عضو اتحادیه باشی میتوانی خود خبرنگار و بازگو کننده مسائل درون کشور خود در اتحادیه باشی و از این طریق است که ما میتوانیم قطعنامه‌هایی در ارتباط با برخورد غیر اصولی دولتها با کارگران صادر کنیم و در سطح عموم نظراتمان را بازگو نماییم. اما ما بخش بین المللی هم داریم و مسئول آن یک فرد است. میتوانیم برایتان وقت بگیریم و بروید با او صحبت کنید، تنها کاری که او میتواند بکند مثلا دادن يك نامه بشما است در ارتباط با محکوم کردن رژیم کشوری که خواست کارگران را در نظر نمیگیرد. اما اگر میخواهید مردم و کارگران مشکلات شماها را بدانند بهتر است از طریق شعبات به پیش روید که بسیار مثبت تر است. مثلا شما میتوانید بعنوان انجمن کارگران پناهنده نامهای به مسئول قسمت بین المللی بنویسید و از او تقاضای کمک مالی بکنید، که ممکن است برای بیکارکمی بشما کمکدولی مشکل مالی خود را از طریق شعبات پیش ببرید هم سریعتر و هم موثر به نتیجه خواهید رسید. در مورد سؤال سوم و چهارم، اینکه گفتید که این کارها را میکید بکطرف و طرف دیگر اینکه واقعا چقدر نیرو و انرژی در این رابطه صرف میکید طرف دیگر این قضیه است. خبرها و مسائل کارگری کشورتان را میتوانید در شعبات مطرح کنید و مطمئن باشید که پیگیری خواهد شد و بخصوص طرح قطعنامه شما در کفرانس بین المللی کار در ارتباط با محکوم کردن جمهوری اسلامی، اگر فعالانه با هم کار کنیم بزودی نتیجه خواهید گرفت و در اتحادیه مطرح خواهد شد. من فکر میکنم در مرحله اول مهمترین چیز یادگیری زبان است که راحتتر بتوانید با بقیه کارگران تماس حاصل کنید و همچنین میتوانید اولویتها را در مورد قوانینی که میخواهید فرا گیرید مطرح کنید، کلاسهایی در این رابطه وجود دارد که میتوانید از این کلاسها استفاده کنید. مثلا برای شروع این کتاب را که بشما میدهم مشخص میکند که اصولا ساختار اتحادیه چگونه است که در انتهای هر بخش سئوالاتی مطرح میشود که پس از جوابگویی به آنها به خیلی از قوانین اینجا در ارتباط با مسائل کارگری پی خواهید برد، از من استفاده کنید که کارهایتان را به پیش ببرم و خودتان هم بایستی فعال شوید

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

افزایش تولید در کارخانه

پارس الکتریک

طبق برنامه ریزی صنایع ملی برای کارخانه، در هفت ماه باقیمانده سال میبایست ۴۰ درصد افزایش تولید صورت گیرد. در همین رابطه مدیریت میخواند این هدف را از طریق استخدام کارگران جدید که یک سوم سهمیه را تامین نمایند، و بقیه را از طریق تشدید کار به پیش برد. در همین رابطه وعده افزایش حقوق نیز از طرف مدیریت داده شده است، کارگران تا کتون با طرح فوق مخالف بودند.

خبرهای کارگری

اعتراضی به کار اجباری در

پارس الکتریک

در اواخر تیر ماه شایعه‌ای در سطح کارخانه پخش گردید که بععلت تعطیلی تعمیر خم در روز چهارشنبه، کارگران میبایست در روز پنجشنبه اضافی کاری داشته باشند. این مسئله باعث مخالفت و اعتراض کارگران شده و با تلفن کردن به شورا نسبت به این شایعه واکنش نشان می‌دهند. شورا نیز در جواب کارگران مطرح نمود که کار در روز پنجشنبه داوطلبانه است و جنبه اجبار ندارد و حقوق کارگران در این روز نیز دو برابر خواهد بود.

★ کارگران ماشین سازی تبریز در تیر ماه بخاطر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زدند. با وجود اینکه یکی از کارگران دستگیر میگردد، اما مدیریت کارخانه ناگزیر به عقب نشینی میگردد.

اعتصاب کارگران آرژانتین

دولت آرژانتین به علت عدم بودجه کافی و به منظور کاهش هزینه‌های دولتی، در حال اجرای طرحی برای اخراج ۲۵۰ هزار تن از کارکنان خود است.

بر اساس گزارش مطبوعات دیروز آرژانتین، دولت «کارلوس منم» در ادامه سیاست تعدیل اقتصادی، ضمن به اجرا گذاشتن طرح اخراج جمع

کثیری از کارگران، از ابتدای ژانویه ۱۹۹۱ همچنین در پی حذف ۴۰۰ الی ۵۰۰ سازمان دولتی است. متعاقب این تصمیم، کنفدراسیون کل کارگری آرژانتین، ضمن محکوم

ساختن این طرح در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت، اولین اعتصاب سراسری علیه حکومت «کارلوس منم» را از ۱۶ آذرماه اجرا درآورد.

★ واحد تحقیق مزدهای پایین تر از حد نصاب در انگلیس با انتشار گزارشی که در نشریه گاردین روز دوشنبه ۲۴ سپتامبر درج گردیده، اعلام کرده است که از هر سه شرکت انگلیسی یک شرکت به کارگزاران حقوقی کمتر از حداقل حقوق تعیین شده میپردازد و دولت انگلیسی چشم خود را در مقابل این احجاف بسته است. بنابر این همین گزارش از هر ده شرکت انگلیسی، تنها یک شرکت قادر بوده است که اسناد رسمی تهیه شده در مورد حقوق کارگزاران، ارائه دهد. این عمل در حالی از طرف شرکتهای انگلیسی انجام میگردد که دولت انگلیس تعداد بازرسین رسیدگی به حقوق کارگران را، از سال ۷۹ به بعد ۶۰٪ کاسته است و هم اکنون تنها ۷۱ بازرس مشغول رسیدگی به کار ۷۹۲۵۳ شرکت را که ۲۴۷۲۴۰۰ کارگر را در اختیار دارند، هستند. یعنی هر بازرس مشغول بازرسی حقوق ۳۴۸۲۳ کارگر در ۵۳۴۲ شرکت میباید در چنین حالتی بازرسین تنها قادرند که از طریق نامه نگاری از کارفرمایان بخواهند که لیست حقوق کارگران را در اختیارشان بگذارند.

طبق همین گزارش در سال گذشته بیش از ۳۰٪ شرکتهایی که از نزدیک مورد بازرسی قرار گرفتند، اطلاعات غلط در اختیار واحد فوق قرار دادند. کریسفر پوند (Christopher Pond) مدیر واحد مذکور میگوید که سیاست دولت در مورد حداقل حقوق مثل "مجوزی است به شرکتهای کلاش که نه تنها از کارگزاران سوء استفاده میکنند بلکه قادرند که در رقابت با سایر شرکتهای برارحتی برنده مزایده شوند" لازم به یادآوری است که سال گذشته تعداد ۵۵۲۸ شرکت که حقوق غیر قانونی به کارگزاران میدهند، شناسایی شدهاند.

★ کارگران صنایع نفت شمال بریتانیا، ماههاست که برای برسمیت شناخته شدن اتحادیه شان، بهبود شرایط محیط کار و انعقاد قراردادی سراسری دست به مبارزه ای گسترده با کارفرمایان زده اند. حالیکه داشتن اتحادیه از ابتدایی ترین حقوق کارگران است. لیکن اتحادیه کارفرمایان نفت شمال، که شرکت معروف شل (Shell) یکی از آنان است نه تنها از شناسایی اتحادیه فوق سر باز زده است بلکه تا بحال ۱۰۰۰ تن از کارگران را اخراج نموده و ۴۰۰۰ تن دیگر را باز در معرض اخراج قرار داده است.

اگر چه تا کتون رهبران اتحادیهها اقدامی عملی در حمایت از کارگران نفت، انجام ندادند، لیکن کارگران با اشکال گوناگون از رفقای کارگر خود پشتیبانی مینمایند. هم اکنون اتحادیه همبستگی کارگران، در ترتیب دادن اعتصابات ۲۴ ساعته به مبارزه خود ادامه میدهند.

اعمال ضد کارگری کارفرمای شرکت اتومبیل فورد انگلستان

بنا به گزارش نشریه میلیتانت ارگان جناح چپ حزب کارگر انگلیس شرکت اتومبیل سازی فورد، لیستی تهیه کرده است که اسامی کارگران فعال در اتحادیه در آن ثبت شده است. شرکت فورد در مورد استخدام، جابجایی و ۰۰۰ کارگرانی که در این لیست قرار دارند، حساس میباشد. بنا به نوشته این نشریه این حرکت حمله آشکار به کارگران و اتحادیه آنها میباشد.

قابل ذکر است که ایجاد تشکیلات ضد تشکیلات کارگری وبعبارة دیگر ارگانهای جاسوسی در ایران نیز وجود داشته است و دارد. بعنوان مثال آقای خیامی در کارخانجات ایران ناسیونال شبکه‌ای جاسوسی بوجود آورده بود که از طریق آن فعالین جنبش کارگری شناسایی و اخراج میشدند.

★ کارگران بیکار در انگلیس برای گرفتن حقوق ایام بیکاری میبایست دو هفته بیکار با مراجعه به اداره کار، آمادگی خود را برای شروع کار اعلام نمایند.

کارگران بیکار بالای ۵۰ سال بجای دو هفته بیکار، سه ماه بیکار امضا میکنند، اما اخیرا دولت انگلیس اعلام کرده است که درآیند نزدیک کارگران بیکار بالای ۵۰ سال نیز باید دو هفته بیکار امضا نمایند. این طرح در شرایطی اعلام میشود که از طرفی حقوق ایام بیکاری به حداقل ممکن رسیده است و کارگران مجبورند به هر ترتیب شده مشغول کار شوند. بنابر این هرچه بر تعداد نیروهای آماد کار اضافه شود، فروش نیروی کار ارزانتر خواهد شد.

يك خبر از انجمن کارگران تبعیدی

انجمن کارگران پناهنده ایرانی در انگلستان در همبستگی با مبارزات کارگران نفت شمال بریتانیا پیام زیر را ارسال نمود:

رفقای عزیز!

ما گروهی از کارگران ایرانی صنایع مختلف ایران هستیم که از پیگرد رژیم جمهوری اسلامی گریخته و در این کشور پناهنده شدیم. بدینوسیله همبستگی خود را با مبارزات شما برای کار بهتر و سالمتر اعلام مینماییم.

رفقا! کارفرمایان و طبقه‌شان باعث و بانی تمام فجایعی هستند که ما هر روزه در محیطهای کار با آن روبرو هستیم. برای آنها پیوسته منافع و سود بالاتر از جان انسان قرار دارد. و آنها برای دستیابی به اهداف خود از هیچ کاری کوتاهی نمیکنند. ما نباید به آنها اجازه بدهیم که از قتلها و جنایاتی که میکنند، خلاص شوند.

مبارزه متحدانه ما علیه آنان و سیاستهایشان تنها راه است و این را مبارزه شما نشان میدهد.

انجمن کارگران پناهنده ایرانی
سپتامبر ۱۹۹۰

گزارشی از تجربیات سندیکای پروژه‌های اصفهان

در سالهای ۵۷ تا ۵۹

دنباله از صفحه ۵

در اینجا باید متذکر شد که از بدو پیدایش این تشکل بافت و خیزهایی که در جریانات روزمره پیش می‌آمد تاثیر آن را در تعداد کارگران میشد دید. در اوایل وزنه صنفی این حرکت بیشتر بود ولی بعد از مدتی حدود ۶ ماهی بیشتر کارگرانی که در جلسات شرکت میکردند، مسائل را از زاویه سیاسی بررسی میکردند و رژیم و مسئولین هم این را خوب متوجه شده بودند و با سیاست اینکه هر چه بیشتر طول بکشد کارگران خسته میشوند و بزودی آنها تحلیل میروند، به روش خود ادامه میدادند. بنظر من لازم بود که ما در این مدت چند ماهی که از عمر این تشکل گذشته بود، جمع‌بندی میکردیم و از نتیجه کارهایمان برای آینده استفاده میکردیم. ولی در آن شرایط دیگر آن کارگران نبودند که در جمعها حرف خودشان را میزدند.

بعد از برکناری دولت بازرگان با پیش آمدن شرایط جدید سیاسی سازمانها و گروههای سیاسی چپ نیروی بیشتری را در این تشکل بکار گرفتند و افراد جدیدی که قبلا در این تشکل نبودند، سعی کردند تا مسائل و نظرات خودشان را جا بیاورند. بخاطر همین کارگران دیگر خسته شده بودند و هر روزه با برخوردهای نادرست سیاسی و طرح مسائلی که هیچ مشکلی را برای کارگران حل نمیکرد، از تعداد آنها کاسته میشد.

(ادامه دارد)

۹۰/۸/۷

(مهدی - آلمانی)

★ بنا به کوشش رفقای انجمن کارگران پناهنده ایرانی و همکاری صمیمانه رفقای انجمن دفاع از مبارزات دمکراتیک مردم ایران در نیوکاسل (انگلستان) چند اتحادیه و سندیکای انگلیس از جمله کمیته همبستگی کارگران نفت شمال، کارگران راه آهن، کشتی سازی، خدمات عمومی، معدنچی و ۰۰۰، از ما دعوت کرده‌اند در جلسات آنها شرکت کرده و پیرامون وضعیت کارگران ایران با آنها گفتگو کنیم و نیز از آنها تقاضا کنیم که قطعنامه زیر را به تائید اتحادیه‌شان برسانند:

قطعنامه

- ۱- نظر به اینکه رژیم جمهوری اسلامی در عرض ۱۱ سال حکومت ننگین خویش، تمامی خواسته‌های بحق کارگران را با گلوله پاسخ داده و هیچگونه تشکل مستقل کارگری را به رسمیت نمی‌شناسد.
- ۲- تلاش رژیم جهت تحمیل قانون کار ضد کارگری، به کارگران با اعتراضات کارگران مواجه و هنوز به تصویب نرسیده، اما رژیم بطور غیر قانونی همان قوانین ضد کارگری را به اجرا در آورد.
- ۳- صدها کارگر مبارزه بدلیل دفاع از حقوق انسانی خویش به جوخه اعدام سپرده شده و بسیاری نیز به زندانهای طویل مدت محکوم گردیده‌اند.
- ۴- ارگانهای جاسوسی رژیم از جمله انجمنها و شوراها، اسلامی در کارخانجات علی‌رغم اعتراضات شدید کارگران بر علیه این ارگانها به جاسوسی پرداخته و معترضین را به رژیم معرفی می‌نمایند لذا با توجه باینکه نمایندگان شرکت کنند در کنفرانس بین المللی کار اصولا کارگر نبوده و از بین حکومتی می‌باشد. این رژیم از جانب کارگران رژیمی ضد کارگری و بنهایت ضد انسانی شناخته شده است بنا بر این ما از شما نمایندگان کارگران و اتحادیه های کارگری میخواهیم که رژیم جمهوری اسلامی ایران و سیاستهای ضد کارگری آنرا محکوم کنید و در کنفرانس بین المللی کار نمایندگان رژیم اسلامی ایران را که در حقیقت سرکوبگران، کارگران هستند از کنفرانس اخراج نمایید.

با
کارگر تبعیدی

مکاتبه کنید!

به تمامی احزاب ، گروهها ، اتحادیههای کارگری ، تشکلهای دمکراتیک و شخصیتهای مترقی و آزادیخواه

۱۱ سال از عمر ننگین جمهوری اسلامی میگذرد و هنوز لاشه متعفن آن بر کرده کارگران و عموم مردمکشورمان سنگینی میکند. این رژیم نه تنها در این مدت اکثر مزایائی را که ما کارگران طی سالیان سال مبارزه بدست آورده بودیم ، باز پس گرفت بلکه با قتل و کشتار و دستگیری فعالین جنبش کارگری و ایجاد جنگی خانمانسوز، ایران را به تلی از خاک تبدیل کردو میدانهای جنگ و گوشههای زندان را از انبوه مبارزین و جوانان کشورمان پوشاند. این رژیم دستاوردی جز فقر و بیکاری ، اعتیاد و فحشا، گرانی سرسام آور و تحقیر مردم کشورمان در سطح بین المللی ، نداشته و تمامی هدفش را در جهت نابودی دستاوردهای جنبش کارگری کشورمان بکار برده و میبرد و بر آن است که هر گونه حرکت و جنبش آزادیخواهانای را به وحشیانه ترین شکل سرکوب کند. این رژیم ضمن ایجاد تشکلهای فرمایشی چون خانه کارگر و شوراهاى اسلامی از ایجاد هر گونه تشکل مستقل کارگری جلوگیری بعمل می آورد. و هنوز پس از چندین سال که از عمر ننگین آن میگذرد قانون کار تدوین شدهای بتصویب نرسانده و از درود نمایندگان واقعی کارگران به کنفرانس بین المللی کار جلوگیری بعمل می آورد.

اما طبقه کارگر ایران در زیر فشار مضاعف جمهوری اسلامی همچنان به مبارزات روزمره خود ادامه میدهد وبدون واهمه از سرکوب خونینی که این رژیم در طی ۱۱ سال از مبارزین و فعالین این جنبش بعمل آورده هر روز با حرکتی جدید در جهت تثبیت موقعیت خود به پیش میرود.

اینک ما گروهی از کارگران رها شده از چنگال خونین جمهوری اسلامی ، به گرد هم جمع شده تا ضمن ایجاد پیوند با کارگران داخل و رساندن صدایمان به آنها از طرق مختلف اخبار و مبارزات آنان را بگوش کارگران سایر کشورها رسانده و در جهت ایجاد جلب همبستگی بین المللی با آنان به پیش روییم .

ما بر آنیم تا با ایجاد تشکلی یکپارچه از تمامی کارگران خارج از کشور ، ضمن استفاده از تجارب و دستاوردهای دیگر کارگران ، جمعبندی از تجارب گذشته خود بدست آورده و در اختیار جنبش کارگری قرار دهیم .

دوستان و رفقا ! ما در این راستا در ابتدای راهیم و دست کمک و همیاری بسوی همگی شما دراز کرده واز شما انتظار داریم، صدای ما را بهر طریق که میتوانید بگوش کارگران کشورمان برسانید، از شما انتظار داریم دوستان کارگران را تشویق کنید که به ما بپیوندند، از شما انتظار داریم که در جهت بارورتر شدن این جمع و در جهت رفع کمبود پیشروان کارگری ما را یاری دهید، تجربیات دیگر کارگران، قوانین کار دیگر کشورها و مقاله نامه های بین المللی را در اختیار ما بگذارید ، در جهت بالا بردن سطح دانش طبقاتی ما را یاری دهید و در جهت طرد و اخراج جمهوری اسلامی از کنفرانس بین المللی کار با ما همگام شوید !

دستتان را به گرمی میفشاریم

انجمن کارگران پناهنده ایرانی - انگلستان

LAMPETH-TUC-CENTRE
14-THORNTON STREET
LONDON-SW9-9PL

باشنایهای زیر با ما مکاتبه کنید :

دانمارک :

Khosravi
Posterestante K 21
The main station
1570 K.b.h
Danmark

اتریش :

Schulgasse
Postfach 506
Wien 1181
Österreich

دفتر مرکزی: آلمان فدرال

Postlagerkarte
Nr. 042037 B
6230 Frankfurt a/M 80
W. Germany

برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم